

مطابقت در داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری صمد بهرنگی با نظریه یاکوبسن روسی

مجید ابتدائی^۱، جواد مهربان قزل حصار^۲، بتول فخر اسلام^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: drmehraaban@mashdiau.ac.ir

چکیده

در ادبیات غنایی گاهی احساسات چنان در لایه لای متون نهفته می‌شود که تاثیرمتن را به حدی می‌رساند که فرا زمان و مکان می‌گردد، از آن جمله احساسات صمد بهرنگی در داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری به گونه‌ای برانگیخته شده که خواننده را لحظه به لحظه با خود در جریان متن قرار می‌دهد. به حدی که خواننده همراه و همزمان با آن کودکان معصوم از زندگی نا امید می‌شود و به عمق داستان برده می‌شود. داستان در محتوای تازه‌تری نسبت به دیگر آثار قرار دارد به واقعیت زندگی روزمره جامعه‌ای خفقانی اشاره دارد و رابطه تنگاتنگ هنر خلاقه بهرنگی را با طبیعت اطرافش نشان می‌دهد و کاملاً جهت مخالف فرمالیست‌های روسی ایستایی و واپس گرایی و گهنگی مفاهیم که از آثار گذشتگان نشأت گرفته در شیوه بیان داستان کمتر دیده می‌شود و آنچه در این پژوهش بیشتر مورد توجه است انطباق اندیشه و ذهنیات صمد بهرنگی با حقایق و واقعیت‌های سیال زندگی است که به مبارزه عمومی بشریت ستم‌دیده در برابر بیداد ظالمان می‌پردازد بیشتر مفاهیم داستان به عقاید و نظریات عمومی جامعه اشاره دارد تا اعمال ذهنیات و ادراکات خود و ایستایی در درک ذهنی خودش، زیرا اگر چنین باشد اثر هرچند زیبا و ارزشمند باشد پایدار نمی‌ماند و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. در پژوهش داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری بهرنگی به شیوه مقایسه‌ای با فرمالیست‌های روسی و نگاه مرگ مولف یاکوبسن صورت گرفته است که به شیوه تحلیلی توصیفی و کتابخانه‌ای مورد تجزیه و بررسی قرار گرفته است تا مورد استفاده تحلیل گران واقع گردد.

کلیدواژگان: ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، تجدد شهری، ناامید جوانان، ساختارگرایی، نظریه مرگ مولف یاکوبسن، فرمالیست روسی.



شیوه استناددهی: ابتدائی، مجید، مهربان قزل حصار، جواد، و فخر اسلام، بتول. (۱۴۰۳). مطابقت در داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری صمد بهرنگی با نظریه یاکوبسن روسی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۴)، ۱۳۰-۱۱۶.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Correspondence in Samad Behrangi's story 24 Hours in Sleep and Wakefulness with Russian Jacobsen's theory

Majeed Abtadaei¹, Javad Mehraban Ghezel Hesar^{2*}, Batool Fakhr Eslam³

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

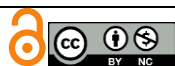
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

*Corresponding Author's Email: drmehraban@mashtiau.ac.ir

Abstract

In lyrical literature, emotions are sometimes so deeply embedded within the text that their impact transcends time and space. One such example is the emotions of Sadegh Behrangi in his story 24 Hours in Sleep and Wakefulness, which are evoked in such a way that they engage the reader moment by moment throughout the narrative. To the extent that the reader, along with the innocent children in the story, becomes disillusioned with life and is drawn into the depths of the narrative. The story presents a more novel content compared to other works, as it alludes to the stifling reality of a repressive society and demonstrates the close relationship between Behrangi's creative artistry and his surrounding environment. It stands in stark contrast to the Russian Formalists' notions of stagnation, regression, and the antiquation of concepts inherited from past literary works, which are minimally evident in the storytelling technique of this work. What is primarily considered in this research is the alignment of Sadegh Behrangi's thoughts and perceptions with the fluid truths and realities of life, which engage in a universal struggle of the oppressed against the tyranny of the oppressors. The story's core concepts are more aligned with the general beliefs and theories of society rather than being a mere projection of the author's personal thoughts and perceptions. If a literary work remains confined to an author's individual insights without broader social relevance, its influence, no matter how aesthetically or intellectually valuable, will not endure and will lose credibility over time. This study examines Behrangi's 24 Hours in Sleep and Wakefulness through a comparative analysis with Russian Formalism and Jakobson's "Death of the Author" perspective. The research has been conducted using an analytical-descriptive and library-based method to provide insights for literary analysts.

Keywords: 24 Hours in Sleep and Wakefulness, urban modernity, youth disillusionment, structuralism, Jakobson's Death of the Author theory, Russian Formalism.



How to cite: Abtadaei, M., Mehraban Ghezel Hesar, J., & Fakhr Eslam, B. (2024). Correspondence in Sadegh Behrangi's Story 24 Hours in Sleep and Wakefulness with Jakobson's Russian Theory. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(4), 116-130.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 January 2025

Revise Date: 12 February 2025

Accept Date: 22 February 2025

Publish Date: 4 March 2025

مقدمه

پی ریز تمام داستان‌های صمد بهرنگی افراد واقشار تهی دست جامعه هستند که مورد ظلم و تعدی ایادی از خدا بی خبر به عنوان حاکمان زمانه می‌باشند که ظلم و جور طاقت زندگی را بر آن‌ها طاق کرده و عرصه زندگی را برایشان تنگ می‌نماید از فوج درد و فقر و مظلومیت در رنج بسر می‌برند صمد به عنوان منجی بر آن‌ها وارد می‌شود و زمینه علم و دانش و مطالعه و آگاهی را در اذهان آن‌ها پرورش داده تا از این شیوه مسیر روشنگری و مبارزه با این حد از بی عدالتی را آغاز نماید. در این پژوهش به بررسی داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری از دید ساختارگرایی پرداخته است که به شیوه کتابخانه‌ای و بررسی کتب معتبر جریان داستان را تجزیه و تحلیل و توصیف نماید. داستانی که حکایت اسفناک فرزندان روستا را در میان شهریان بی احساس و مرفه یکه تازان میدان ثروت بررسی می‌نماید که به قدری داستان واقعی و احساسی نوشته شده که خواننده همگام با قلم بهرنگی شاهد وقایع است و خود را همراه و همگام با آن کودکان معصوم، بیمار و مظلوم می‌بیند. این داستان دقیقاً انطباق هنر با واقعیت‌های سیال زندگی است که در ذهن صمد تاثیر گذاشته و زمینه ساز خلق آثاری شده که در فرم و شکل کهن به پردازش محتوای تازه برخورد جوانانی فقیر با تمدت و تجدد شهری با مردمی مرفه و بی‌درد همت نموده که تاثیر واقعیت زندگی در ترسیم داستان هرگز نادیده گرفته نشده است و کاملاً تاثیر ماقابل فرد از جامعه و جامعه بر فرد را نشان می‌دهد. ساختار متن داستانی وقصه پردازی با درون مایه اجتماعی، غنایی به طور مستقیم اوضاع جامعه و فقر اقتصادی و فرهنگی جامعه را ترسیم نموده است.

با این نگرش بررسی داستان‌های صمد با ظاهری ساده و محتوایی درد آشنا کار هر کسی نیست، کار اصلی هنر و هنرمند ایجاد لذت است که با خلق اثری مستقل حسی خاص در خواننده ایجاد می‌نماید انگیزه او را برمی‌انگیزاند بر این اساس بسیاری معتقدند "

بسیار باید دقیق بود که تا هراتر ادبی با خصوصیت خود آن اثر وبا معیار وسنجه‌های همان عصر ارزیابی گشته مورد داوری قرارگیرد ولاغیر. درغیراینصورت شناخت ممکن با گسیختن رابطه میان حال و گذشته، موضوع شناسایی را از دایره تاریخ بیرون کرده وتفسیری ذهنی برجای تحلیل عینی وتاریخی می‌نشانند. چنان که فرمالیسم روسی چنین می‌کند (۱) باتوجه به این عقیده ترسیم موقعیت زندگی صمد وتفسیر آثارش عمق نگاه هنرمند را بیشتر روشن می‌کند و گذر زمان در اندیشه او را بهتر نشان می‌دهد که با این بازگشت به زمان نویسنده و قرار دادن خود در جایگاه او می‌تواند روشنای بهتری در تفسیر وتحلیل اثر داشته باشد، ولی محتوای آثار بقدری صادقانه است که می‌توان آن‌ها را با وضعیت جامعه در روزگاران بعد تعمیم داد ومورد بررسی قرار داد وطبق نظریه یاکوبسن در اتفاق مرگ مولف برداشت‌های متفاوت از آثار صمد و تنوع در سوزها مانع احساس پدیده تکرار و تقلید می‌گردد وجنبه گستردگی اندیشه او را در جامعه‌ای که می‌زیسته بهتر نشان می‌دهد.

باتوجه به افکار واندیشه ساختارگرایان روسی که عقیده دارند باید تحلیل گران آثار گذشته و پل ارتباطی با روزگار هنرمند برقرار نماید تا بهتر بتواند آثار آن‌ها را بررسی نمایند در این پژوهش بانگاه به نظریه یاکوبسن موسوم به مرگ مولف و برداشت‌های متفاوت از محتوای داستان و تعمیم دادن آن‌ها با اوضاع روزگار مختلف فرازمان خود صمد بهرنگی می‌توان داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری او را با تحلیل‌های متفاوت پژوهشگران مورد بررسی قرار داد. داستانی واقعی از وضعیت جامعه‌ای خفقانی که ظلم وجور حاکمان عرصه روزگار را بر همگان تنگ کرده صمد علاوه بر ترسیم اوضاع نابه سامان فقر و تهی دستی و بی عدالتی با تعمیم دادن محتوای داستان با اوضاع زمانه و روزگار ستم دیدگان مختلف مساله مهم ارتباط هنر با واقعیت زندگی مردم جانعه است که برخلاف نظریه فرمالیست‌های روسی ادبیات و هنر را جدای از

واقعیت زندگی می‌دانند. در داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری که از متن جامعه پر درد و ملا آور نشأت گرفته است زوایای ذهنی بیشتری از صمد بهرنگی را نشان می‌دهد. به این مساله باید توجه کرد که برخلاف نظریه فرمالیست‌های روسی که آثار ادبی را چیزی جز تاثیر پذیری از آثار گذشتگان نمی‌دانند صمد در فرم و شکل کهن مسایل سیاسی، اجتماعی و مبارزه به بی‌عدالتی و خفقان جامعه را گنجانده است که طبق نظریه یاکوبسن در مرگ مولف هم می‌توان دریافت که محتوای داستان‌های صمد هیچ کلام در هیچ زمانی یکسان و تکراری نمی‌نماید بلکه باید دید با برداشت‌های متفاوت از آثار او و جایگزین کردن مطالب جدید در قالب داستان هایش او را در گروه فرم اندیشان قرار داده و چقدر محتوای داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری با نظریه مرگ مولف یاکوبسن مطابقت دارد؟ در بیان داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری با ظرافت و صداقت وضعیت اسفار بار جامعه و طبقات نا عادلانه را ترسیم می‌نماید که پژوهش حاضر بر آن است که با دقت جریان داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری صمد بهرنگی را با اصول ساختارگرایان و نظریه‌های آن‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار دهد تا تحصیل کردگان و قشر فرهنگی جامعه از خوانش آن‌ها مسیر ذهنی صمد بهرنگی در ترسیم عدالت و آگاهی در جامعه را بهتر بشناسند. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است

۱- صمد بهرنگی در داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری را می‌توان با نظریه یاکوبسن روسی (مرگ مولف) مورد تحلیل قرارداد؟

۲- با داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری می‌توان صمد بهرنگی را یک ساختارگرای فرم اندیش دانست؟

۳- آیا هنر نویسندگی صمد بهرنگی با واقعیت‌های جامعه مطابقت دارد؟

شناخت وضعیت جامعه در دوران زندگی صمد بهرنگی و بی‌عدالتی‌ها ورنج و دردهای حاکم بر جامعه و بی‌توجهی به قشر زحمت کش جامعه دلیل شد که یکی از داستان‌های صمد بهرنگی

به نام ۲۴ ساعت در خواب و بیداری را به صورت فرم اندیشی و ساختارگرایی مورد تجزیه و تحلیل قرارداد و با مطابقت متن داستان با نظریه یاکوبسن روسی تا نتوانیم به نقطه کور حقایق نهفته در داستان رسیده با بررسی تحلیلی و توصیفی آن بهتر به اهداف نهفته آثار صمد بهرنگی در آثارش پی ببریم، با این ضرورت بر آن شدیم که داستان را به شیوه تحلیلی کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار داده و با نظرات ساختارگرایی و نگاهی ویژه به نحوه خلق هنر از ذهن صمد بهرنگی به تحلیل اوضاع زمانه پردازیم به همین دلیل داستانی انتخاب شده که بیشتر احساسات خواننده را در درک حقایق جامعه و فقر و بی‌عدالتی‌ها برمی‌انگیزاند و جذابیت داستان را بیشتر می‌گرداند و خواننده را ترقیب می‌نماید که در مسیر شناخت بیشتر صمد بهرنگی در ترسیم اوضاع نابسامانه عصر خویش عزمی آهین در خود ایجاد نماید.

پیشینه پژوهش

در زمینه شناخت صمد بهرنگی و توضیح برداستان هایش آثار بسیاری پدید آمده از جمله آن آثاری از خلاقان هنر عرضه می‌شود. درویشیان (۱۳۹۴) در کتاب یادمان صمد بهرنگی نظرات و مطالب و مقالات متعددی از نویسندگان و هنرمندان بزرگ را با مقدمه بسیار زیبا و روز شمار زندگی صمد در آغاز ارایه نموده که بسیار قابل تامل است (۲). شاهکویی (۱۳۹۳) در کتاب فرمالیسم روسی و تناقض‌های فلسفی خود دیدگاه‌های دکتر شفیع کدکنی درباره فرم و فرمالیسم مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد (۱). پراپ (۱۳۹۸) در کتاب ریخت شناسی قصه‌های پریان ترجمه فریدون بدره‌ای ساختارگرایی را تعریف نموده و مفاهیم و تئوری‌های درباره ساختارگرایی را بیان می‌دارد و قصه‌ها را به طور کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و موارد لازم در ساختار قصه‌ها را جزء جزء بیان می‌دارد (۳). انزابی نژاد (۱۳۵۸) در اثر خود به نام معلمی که سراپا صداقت بود می‌فرماید که صمد بهرنگی در آموزش و پرورش در

این چند دهه هیچ معلمی، مانند او اثر نگذاشته او صمد را معلمی روشنگر و بیدارگری اجتماعی می‌شناسد، از آن‌هایی که کتاب‌های آموزشی و درسی برای بچه‌ها دهاتی می‌نوشتند به سختی برخورد می‌کرد و نفرت داشت از کسانی که مراحل روزمرگی عادی را برای بچه‌ها به نمایش می‌گذاشتند که کی بخوتبد و کی مسواک بزند و کی بازی کند و با این کار قدرت خلاقیت را از آن‌ها می‌گرفت (4)؛ براهنی (۱۳۶۰) در اثر خود "اسطوره صمد و موضوع زمان" اسطوره شدن صمد بهرنگی را در زمان خودش مطرح می‌گرداند و در ادامه می‌گوید، اسطوره خوشنام و نشان صمد بهرنگی، در عرض یک دهه ژرجوش و خروش که بر میهن ما و بر میهن‌های بسیاری از ملل ستم‌دیده جهان گذشته مرزها را به طور کلی از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی- ادبی، دستگاه‌های فکری و فلسفی و جهان بینی‌های قدیم و جدید شکافته به تسخیر قلب‌های مردمان مظلوم جهان ژرداخته است (5). دولت آبادی (۱۳۵۷) در اثر خود سلام عمو بهرنگ به قدرت قلم بهرنگی که از چند کودک فقیر و پابره‌نه زمینه ساز یک قصه شده بودند می‌پردازد و داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری او را تجزیه و تحلیل می‌نماید (6). همچنین ساعدی (۱۳۵۷) در "رو در رو یا دوش به دوش" هم زمینه‌های مبارزاتی و خوی و خصلت‌های صمد در مبارزه با استبداد را به نرمی و آرامی شرح می‌کند (7). این‌ها مشتی است نمونه خرواری که درباره صمد و آثارش مطالبی گفته و نوشته شده است که البته پژوهش حاضر که بیان داستانی از صمد بهرنگی و ساختار آن و هم چنین بیان نظریه‌های فرمالیسم‌ها و ساختارگرایان در قصه ۲۴ ساعت خواب و بیداری از صمد بهرنگی است که شبیه آن کاری دیده نشده، در این پژوهش داستان از زاویه دید ساختارگرایان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مطابق اصول مقاله نگاری نگاشته شده و مسبوق به سابقه نمی‌باشد.

متن اصلی

داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد بهرنگی از جمله داستان‌هایی است که درد مردم فقیر و تهی دست جامعه را که طبقات فرا دست بر آن‌ها روا داشته اند تجزیه و تحلیل می‌نماید. ضعف و ناداری همراه با بی‌فرهنگی و پذیرش هرگونه ظلم زیر بنای این داستان است که رنج درون آن‌ها احساسات خواننده را برمی‌انگیزاند تا نگرش صلح جوینانه و منطقی در سیر گذر اجتماع زمان خود را بر جامعه حاکم گردانند. صمد بهرنگی از این قصه که فرم کهن دارد اندیشه‌های نوی روشنفکری، حس مسوولیت پذیری و اهداف سیاسی خود را در محتوای آن تجزیه و تحلیل می‌نماید. قصه بسیار تلخ است و سراسر بیان تلخی‌هایی زندگی گروهی جوانان است که بی‌کاری و تهی دستی در روستا دلیل بر مهاجرتشان گشته و راهی شهر شده اند تا با فرهنگ و تمدن شهری آشنا شده و در کنار آن کسب و کاری فراهم نمایند تا از پس مخارج زندگی خود برآیند این داستان هم قهرمان اصل اش گروهی از کودکان و نوجوانان هستند. احساسات و عواطف درونی آن‌ها در برابر خانواده و اجتماع آن‌ها را برمی‌انگیخت که به سرزمینی دیگر مهاجرت کنند تا نان خشکی به کف آرند و فقر و گرسنگی زوال زندگی آن‌ها نگردد. جوانان کوشا و زحمت کش را می‌گوید که گاهی برای گذراندن معیشت زندگی خویش هیچ منبع درآمدی ندارند. صمد آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد که "بچه‌ها بی‌شک آینده در دست شماست خوب و بدش هم مال شماست شما خواه ناخواه بزرگ می‌شوید. هم پای زمان پیش می‌روید، پشت سر پدرانتان و بزرگ هایتان می‌آیید، جای آن‌ها را می‌گیرید. همه چیز را بدست می‌آورید، زندگی اجتماعی را با همه خوب و بدش صاحب می‌شوید، فقر، ظلم، زور، عدالت، شادی و اندوه بی‌کسی، کتک، کار و بی‌کاری، زندان و آزادی، مرض و بی‌دارویی، گرسنگی و پابره‌نگی و صدها خوش و ناخوشی اجتماعی دیگر مال شما می‌شود. می‌دانید که برای درمان ناخوشی‌ها اول باید علت آن را پیدا کنید، زیرا در اجتماع سالم نباید نشانی از ناخوشی باشد زور

ودروغ و دزدی، جتگ، ناخوشی‌هایی هستند که فقط در اجتماع ناسالم دیده می‌شود." (8) وقایع داستان برطبق نظریه یاکوبسن زبان شناس روسی که به مرگ مولف معتقد است آن قدر نزدیک به اتفاقات جامعه در ادوار مختلف است، و شباهت واقعی بین حقایق روزگار مختلف و روزگار صمد وجود دارد و تاریخ به ظرافت تکرار شده است که گاهی جریان مرگ مولف در چاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد و باورش مشکل می‌نماید.

صمد با مشاهده نهایت بی‌عدالتی و فقر در جامعه به دنبال هدف فهماندن حقیقتی است که همه مردم دچار آنند و با این حجم از فقر ناباورانه خو گرفته و گاهی نمی‌خواهند از آن ورطه نجات یابند. او می‌خواهد ثابت کند که در زندگی با فقر و نا برابری اگر ما واکنشی نشان ندهیم خود ما در رقم زدن آن سرنوشت سهیم هستیم. ساختار فکرس صمد با آنچه در جامعه می‌گذرد در تناقض است و رفع این تناقض بدون آگاهی مردم ممکن نمی‌گردد. گاهی تضاد خود مقدمه رشد می‌گردد و اندیشه‌های نو جانشین اندیشه‌های از اعتبار ساقط شده روزگار می‌شود بازتابش این حقیقت منجر به بیداری عمومی در جامعه می‌گردد. صمد، طبق نظر ساختارگرایان روسی فرم و شکل قصه را به شیوه سنتی برمی‌گزیند ولی محتوای جدید در آن می‌ریزد به گونه‌ای داستان را پی‌ریزی می‌کند که در آن قالب ساخته شده می‌توان چندین شاهد مثال داستانی دیگر را قرار داد، گستره دید صمد به‌رنگی در این قصه بسیار زیاد است و این داستان به تمام اقشار جامعه تعمیم داده می‌شود. افق دید او محدود نمی‌ماند او می‌کوشد که آنچه در اندیشه او با درک و دریافت حقایق زندگی مردم رخ می‌دهد به سوی متن جامعه سوق دهد و رابطه صمیمی و آشتی جاودانه با جامعه خویش داشته باشد. "آنچه همواره اهمیت تعیین کننده داشته است، انطباق اندیشه با واقعیت سیال زندگی است، در غیر این صورت، عقیده و نظر حتی دانشمندترین دانشمندان نیز اعتبار نداشته و از حقیقت تهی می‌شود." (1). باید توجه کرد که به هیچ

عنوان ممکن نیست آثاری هنری خلق شود و ارتباطی با طبیعت اطراف خالق اثر نداشته باشد این جریان خلاف نظریه فرمالیست‌های روس است که هنر را جدای از زندگی روزمره خالقان آثار می‌داند صمد در متن جامعه است، با قهرمانان قصه هایش زندگی می‌کند اگر از نماد و نشانه‌های کهن بهره می‌گیرد نشان از جو خفقانی جامعه است. اما در هر شکل و صورتی او از بیان حقایق ابایی ندارد و متون هنری اش منطبق با جریان طبیعی زندگی است. این آن حقیقتی است که صمد به‌رنگی در پی تحقق آن است. و در صدد عینی کردن ذهنیات خویش در ارتباط با جامعه‌ای است که در آن می‌زیست. و در بیشتر داستان هایش خطاب به مخاطبان خویش یادآوری می‌نماید که داستان‌های من صرفاً سرگرمی محض نیست، جذابیت آن در این است که جریان سیال زندگی را با تمام وضعیتی که دارد نشان دهد و انگیزشی برای خیزش همگانی در برابر نابرابری‌ها باشد برای همین درباره داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری هم مخاطبان را به عمق نگاهش فرا می‌خواند که "قصه خواب و بیداری را به خاطر این نوشته‌ام که برای تو سرگرمی باشد. قصدم این است که بچه‌های هموطن خود را بهتر بشناسی و فکر کنی چاره درد آن‌ها چیست؟" (9). به دنبال رفع درد آن‌ها برآیی، به‌رنگی به زبان ساده و صمیمی برای کودکان می‌نویسد اما نگران آن است که سطح نگاه خوانندگان در سن مخاطبان ظاهری قصه‌ها که کودکان هستند باقی بماند و متوجه نشوند، بلکه قصه آن‌ها را سرگرم کند و رد شوند. فرم در این نوشته به‌رنگی قصه است چون میداند زبان قصه، گویاترین زبان بیان حقایق به صورت غیر صریح است و سلامت نویسنده را در پناه سادگی و صداقت خود تضمین می‌نماید. مجموع این خصوصیات روحی صمد به‌رنگی باعث شد اساس نوشته هایش برپایه فرم قصه نویسی و داستان‌های کوتاه و بلند زیبا شکل بگیرد و عوامل مربوط به فرم را در جریان دل نشینی قصه قرار دهد اما این تمام ماجرا نیست. زیرا محتوای قصه هایش خیزش عمومی

در جامعه برای آگاهاندن مردم به پا می‌کند واز روح درد آشنای صمد یک نویسنده فرا زمانی می‌سازد که در همه جوامع با وضعیت عمومی مردم مطابقت دارد. چگونه می‌توان هنر نویسندگی او را جدای از محیط زندگیش دانست.

ارزش محتوای داستان‌های صمد بخصوص در ۲۴ ساعت خواب و بیداری، جدای از فرم و شکل آن نیست، بهرنگی با مهارت بسیار دقیق فرم و محتوا را به گونه‌ای قرین هم قرار داده که از هر سو به قصه هایش بنگرید گستردگی افق دید او مشاهده می‌گردد. زیرا این وسعت برداشت‌های متفاوت به جریان مرگ مولف یاکوبسن روسی جامه عمل می‌پوشاند که محتوای گسترده قصه‌ها دیدگاه‌های متفاوت فراوانی بوجود می‌آورد که هرچند تا حدودی براساس قرائن در موازای اهداف صمد پیش می‌رود ولی نگاه‌های گسترده و بینش‌های متفاوت حاکی از مرگ مولف است و صمد به عنوان یک هنرمند فرم اندیش معرفی می‌گردد و نظریه کلی فرمالیست‌های روسی را هم در بر می‌گیرد که هنرهای خلق شده باید به گونه‌ای باشد که بتوان حوادث دیگر را در قالب آت ریخته و تعمیم داد این مساله عمومیت بخش مفاهیم هم در آثارش مشخص است، زیرا هرکس هر قدر گسترش زبانی داشته باشد به همان اندازه جهان بینی وسیع‌تری دارد این همانی است که در آثار صمد کاملاً وجود دارد. قرینه فرم و محتوای آثارش نشان دیگری از قدرت قلم و نگاه نافذ اوست، این مرد سیاست در فرم قصه احساسات ظریف و عواطف شخصی و در نهایت انسانی را مطرح می‌گرداند. تا مردم مدرن عصر حاضر را به تفکر وا دارد. هرچند که فرمالیست‌های روسی معتقد هستند که هر اثری باید با معیارهای سنجش زمان خود سنجیده شود. که این هدفی است بسیار دست نیافتنی اما ذهن سیال خواننده مدرن می‌توان این ناممکن را تا حدودی ممکن سازد و تلفیقی از واقعیت‌های جامعه توأم با ذهنیات منطبق با آن واقعیت‌ها معجونی از حقایقی بسازند که مقرون به حقیقت‌ها باشند نه ذهنیات محض مثل ساختارگرایان روسی.

قصه ۲۴ ساعت خواب و بیداری ساده و روان است مثل آبی که در بستر رودی روان است، اما جویی که به کمک مشاهدات و تجربه‌های طولانی و اندیشه‌های بسیار، طرح، ساخته و پرداخته شده و به زندگانی شرافتمندانه آدمی عشقی دارد، در کتاب حقوق نویسنده سولژنیتسن آمده است که تولستوی در جایی گفته است: "تمام تاریخ اروپا می‌تواند زمینه یک رمان تاریخی قرار بگیرد هم چنان که فقط یک روز از زندگی یک دهقان نامشخص روس." (6). حالا صمد با داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری مسایلی را اشاره کرده است که مبین چندین کتاب تاریخی است و ۲۴ ساعت، یک شبانه روز را مبنا قرار داده مشت را نمونه خروار کرده که هر واقعه مشابه را که در این قالب بریزند می‌تواند تأثیرش را نشان دهد. با این گونه سوژه‌ها با عناوین پر محتوای صمد در فرم و شکل قصه به قدرت می‌توان صمد را یک هنرمند خلاقه فرمالیست نامید که هم محتوای جدید و فرم کهن فرمالیست‌های روسی را دارد و هم با برداشت‌های متفاوت از داستان هایش می‌توان او را با نظریه مرگ مولف یاکوبسن مطابق دانست که از این طریق خواهیم دریافت که با این که سوژه‌های فرم‌های گاهی سستی است اما هیچ یک از داستان هایش تکراری و یا تقلیدی نمی‌نماید چون به تعداد خوانندگان اثر سوژه و مفهوم تازه در آثارش دریافت می‌گردد. زیرا هر خواننده هرچند حتی دو قلوبی همزاد باشند نمی‌توانند ذهنیت مشابهی و نظریه مشابهی درباره موضوعی ارایه دهند چون حوزه فکری هر شخصی متناسب با وضعیت زندگی روزمره مخصوص او شکل می‌گیرد و با این دیدگاه همانطور که در عرفان می‌گویند هیچ راه ثابتی برای دریافت حقایق عرفانی و برای راهنمای کل بشر وجود ندارد. برای این که از هر دلی راهی به سوی حقیقت وجود دارد این جریان ذهن هم مستثنی نیست و از هر ذهنی راهی متفاوت در تجزیه و تحلیل آثار گذشتگان طبق نظریه یاکوبسن روسی وجود دارد.

در داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد سایه حقیقت زندگی چنان بر چهره کامل داستان دامن افشاند که ذهن و قلب و قلم را در گیر می‌کند و سیاه بختی‌ها را بهتر نشان می‌دهد. تمام سختی‌های جوانان بروند در این داستان‌ها با این واژگان خشن و ناآرام نمودار می‌گردد، و رمقی برای کتمان حقایق باقی نمانده است هرچه است مثل روز روشن و خورشید درخشان می‌تابد و هر روز حقایق بهتر روشن می‌گردد. ذهن خلاق صمد بر صفحه فرم قصه نویسی معجونی ساخته که هر تشنه علمی را سیراب می‌گرداند.

صمد بهرنگی ساختارگرایی است که داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری به شیوه فرمالیست‌های روسی را ارایه داده است ساختار نوینی از تلفیق حقایق و محتوای روزمره زندگی که گریز از آن‌ها ممکن نمی‌باشد زندگی توأم با استرس و نا آرامی و تعصب‌های بی‌جا.

صمد این مطالب را چنان روشن و شفاف توضیح می‌دهد که حتی می‌توان در جریان داستان هایش به مرگ مولف هم اندیشید، او در لابه لای داستان هایش حقایق را بازگو می‌کند زنده است، گویا است و در کنار حقایقی که بازگو می‌کند نمی‌میرد، بلکه تلفیقی از سبک‌های نویسندگی دارد که بر جذابیت داستان هایش می‌افزاید. زیرا طبق نظریه روان شناسان بزرگ که می‌فرمایند اگر بخواهیم اثری را به خوبی تجزیه و تحلیل نماییم باید خودمان را در جایگاه زمانی، مکانی خالق اثر قرار دهیم که این کار با تمام قرائن و شواهدی که وجود دارد تا حدودی ناگفته‌هایی را باقی می‌گذارد. آثار صمد هم تا این که زنده و پویا و نزدیک به زمان ما است اما با توجه به موقعیت زمانی و مکانی متفاوت نمی‌تواند مستثنی از این واقعیت باشد نظریه مرگ مولف یا کوبسن صادقانه‌تر خواننده را به واقعیت می‌رساند. هر کسی با ذهنیت متفاوت و برداشت‌های سیاسی فرهنگی، اخلاقی و حتی اقتصادی دیگرگونه‌ای دارد که هرگز با دیگری برابری ندارد از نوک قلم هر خلاقه هنر هر چند

سوژه مشابه باشد افکار و اندیشه‌هایی کاملاً متفاوت رقم می‌خورد که زاویه‌های دید در آثار را نمایش می‌دهد و هرچه این زاویه‌ها بیشتر و گسترده‌تر باشد گستردگی وسعت دید هنرمند را نشان می‌دهد و ماندگاری اثر هم بیشتر و بهتر می‌گردد. آثار صمد ویژگی‌های عمومی دارد که تعمیم دادن مفاهیم آن به دوران مختلف بسیار راحت صورت می‌گیرد.

گفتگو هایش قهرمانان داستان هایش، حقایق تلخ و شیرین زندگی آن‌ها همه حکایت از روزگاری دارد که همیشه در تاریخ سرزمین ما تکرار می‌شود و زنده است نمی‌توان افکار و اندیشه بیدارگری و شفاف صمد را با افسانه‌های قدیمی که قصه را برای سرگرمی و گذراندن زندگی مردم روزگار خویش و فرا راز تفکر و اندیشه با پس زمینه‌های اخلاقی و تربیتی در بسیاری موارد تکراری بیان می‌کردند که اساس علمی ندارد مقایسه کرد. زیرا "در افسانه‌های قدیمی اعتقادهای آدم‌های این افسانه‌ها را نباید حقیقت پنداشت، افکار و گفتگوها و رفتار قهرمانان این افسانه‌ها نمی‌تواند برای ما سرمشق باشد." (۸). ولی این داستان‌های صمد بهرنگی، الگویی رفتاری از بیدارگری و آگاهی جامعه است از جهات مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی ارزشمند است و در هر برهه‌ای از زمان می‌تواند قهرمانانش را دید و الگو گرفت، این حقایق که در داستان‌های صمد بهرنگی به خصوص ۲۴ ساعت خواب و بیداری اوست. او با داستان هایش زندگی می‌کند چون دقیقاً گشته برداری از زندگی جامعه است. داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری "نمایش صحنه‌های زندگی و احساس من توست. نمایش اندیشه من و توست نمایش تاثیرات قلبی و ذهنی ماست. نشان دهنده گوشه‌ها و گونه‌هایی از دنیای تائر و تاثیر جامعه معلم و نویسنده است معلمی که خود را مسوول کیفیت زندگی فرد و جامعه امروز و فردا می‌داند. نویسنده‌ای که خویشتن را وقف آگاهی و بیداری و رستگاری ملت‌ها می‌کند. کسی که تمام تلاشش برای نجات ملت‌ها از تاریکی جهل است. نویسنده‌ای که قلم و قدمش جز در راه آزادی

ملت‌ها و احقاق حق مردم و سرکوبی ستمگران کار نمی‌کند، معلمی که وظیفه اش را پیشبرد ملت‌ها به سوی کمال می‌داند، کمال انسانیت، کمال علم، کمال خوشبختی. " (8). این‌ها واژگانی هستند که در هیچ زمانی انسان از آن‌ها بی‌نیاز نیست، او اوج کمال زندگی را در داستان هایش برای آیندگان رقم زده است برآستی همگام با آیندگان در داستان هایش حضور دارد، نویسنده‌ای که هرگز از صحنه داستان هایش غایب نمی‌شود. زنده می‌نویسد و زنده می‌ماند. داستان "۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد بهرنگی نماد و الگوی بیدارگری برای نویسندگان حساس طبقه فقیر رنجبر و محروم اجتماع است. داستان مشاهدات و خواب و خیال و آرزوهای اوست در پایتخت ایران، حکایت آشنایی لطیف و همبازی و همراه شدن با چند پر بچه فقیر دیگر و بازی‌ها و شوخی‌ها و کارهای آنان و مشاهده صحنه‌هایی متضاد از فقر و بی‌نیازی‌ها و تماشای اسباب بازی‌هایی که در بعضی مغازه‌ها به چشم می‌خورد. " (8). چیزهایی که فقط در حد یک آرزو در دل بچه تهیدست جامعه برجای مانده، آنچه دل زدگی بچه مرفه را بوجود می‌آورد. آرزوی بچه نیازمند جامعه است که در خیالش با شتر اسباب بازی سخن می‌گوید و گاهی از لوکس بازاری‌های تهران پایتخت برای دیگران می‌گوید و با ناراحتی و ناامیدی تمام می‌گوید: "در طرف‌های جنوب هم چنین چیزهایی دیده نمی‌شود در آنجا کسی سواری ندارد، اما خیلی‌ها چرخ دستی دارند و توی زاغه می‌خوابند. (آرام، ۱۳۷۰: ۷۸) بچه خودش بسیار زیبا مقایسه می‌کند دارایی‌های شمالی‌ها با ناداری‌های جنوبی، ها، بدبختی و سیاه بختی آن‌ها. عجب روزگاری است همه در یک سرزمین و این همه تفاوت طبقاتی، این از بی‌لیاقتی حاکمان و بی‌توجهی آن‌ها به اقشار جامعه و یا شاید از حکمرانی بد حاکمان است که ژهنه قدرت آن‌ها مصیبتی برای حاشیه نشینان جامعه می‌گردد. این چه عدالتی در سایه عادل هستی است که گریبان گیر این قشر جامعه می‌گردد که همه چیز را در خواب و بیداری حس می‌کنند و تمام آرزوها را در

اذهان کوچک خود دفن می‌کنند و حق اظهار آن را هم ندارند. چگونه می‌توان نویسنده این حقایق را که گویای زندگی مردم در همه ادوار است مرده انگاشت، او زنده جاویدان است هرچند مطالبی از ذهن خواننده بتواند جای این حقایق را بگیرد که منجر به مرگ مولف گردد. وحتى مطابقت با نظریه ساختاری فرمالیست‌های روسی شد. نام و آوازه صمد در ذهن مردم فقیر زنده و در سوژه نظریه پردازان جهان زنده و جاویدان می‌ماند. او مفاهیمی از فولکلورهای جامعه از زندگی و عادات مردم عامه می‌نویسد.

مفاهیمی که نمادهای فولکلورهای اجتماعی است که با نمونه‌های جهانی آن در توصیف فقر و تهیدستی جامعه مطابقت می‌نماید می‌توان مفاهیم این فولکلورها را به دیگر مناطق جهان هم عمومیت بخشید و با همین الگوهای به ظاهر ساده به تقویت فرهنگ‌های مختلف جوامع دیگر پرداخت. چون قصه ریشه در فرهنگ عمومی جهان دارد که مسیر رشد و تکامل انسان در عمق آن گنجانده شده که باید به مرور کشف و درک گردد که البته نگاه باید به آثار ساختارگرایان بسیار گسترده باشد و همه جوانب آن‌ها را در بر بگیرد و گر نه به قدر توان کوشیده و به همان قدر هم مطالب را اخذ نموده می‌توان گفت به قوانین حاکم به قصه‌ها و داستان‌ها به طور کلی واقف نگشته است و آنچه بدست آورد به مقتضیات پژوهش بوده که مورد نظرش بوده است. به همین دلیل "یکی از هدف‌های تجزیه و تحلیل‌های ساختاری فولکلور یا هریک از انواع گوناگون پدیده‌های فرهنگی دیگران همچون زبان و ادبیات و غیر آن یقیناً آگاه شدن از جهان بینی نهفته در پشت این پدیده هاست چون دستیابی و شناخت جهان بینی فرهنگ دیگر یا فرهنگ خود انسان، کاری بس دشوار است و اگر شناخت الگوها ساختاری در فولکلور بتواند خدمتی به توصیف نهاد جهان بینی خود یا جهان بینی مردمان دیگر بکند. در این صورت مطالعه و بررسی فولکلور امری لازم در شناخت بهتر انسان خواهد بود. " (3). صمد بهرنگی

در جریان فولکلورهای قصه هایش مطالبی از زندگی مردم را نهفته است که از بدبختی زار می‌زنند و آرزو و آمال دست نیافتنی وجودشان را و حتی وجود فرزندان آنان را می‌آزارد، در ۲۴ ساعت خواب و بیداری آداب و سنن مردان روستایی به شهر آمده و ناآشنا به فرهنگ و زندگی شهری رابه خوبی نشان می‌دهد که ساختار قصه به گونه‌ای است که مرد روستایی بعد از طی ۲۴ ساعت مجبور می‌شود برای جلوگیری از نابودی زندگی خود و فرزندش شهر را ترک کند. ناتوانی او در جذب فرهنگ شهر نشینی دست کشیدن از فرهنگ روستایی و رویاهای عجیب و غریب و دست نیافتنی روستاییان که در نزد شهریان از عادی‌ترین خواسته‌ها یشان است در قصه نشان از شکاف طبقاتی دارد که هیچ اراده‌ای قادر به رفع آن نمی‌باشد. مرد روستایی محکوم به چهارچوب روستایش است و فولکلورهای روستایی ملکه‌های ذهنی او هستند و عادات و آداب و رسوم روستایی چنان لذتی در روزمرگی او ایجاد می‌نماید که اندیشه‌رهایی آن‌ها عذابشان می‌دهد و بچه روستایی زحمتکش را با تمام آرزوهایش که حتی در خیال خویش باشند اسباب بازی صحبت می‌کند مجبور می‌کند به روستایی محدود و بی‌رونق برگردد حتی دوست او که از بی کفشی عکس کفش را بر روی پاهایش نقاشی می‌کند و در نگاه اول چشمان زیبا بین واقع بین و ساده پسر روستایی آن‌ها را کفش‌های براقی می‌پندارد که چشمانش را خیره کرده ولی بعد از آن احساس و لطافت قلب کودک که پاهایش نقاشی شده او را برآن می‌دارد که برای جلوگیری از رنج مضاعف دوستش راز نقاشی بودن شکل کفش بر روی پایش را را برملا نماید تا پسرک فقیر قصه رنج و غصه کمتری را در ناداری خویش تحمل نماید و خود را از جمع آن‌ها جدا ننماید.

ساختار قصه‌های صمد براساس واقعیت‌های تلخ و شیرین رقم می‌خورد که هر خواننده‌ای را شگفت زده می‌نماید که این همه قدرت قلم او در برابر ترسیم حقایق چه میزان باورهای مردم را در

برابر واقعیت‌های زندگی تقویت می‌کند و می‌تواند چشمان آن‌ها را به روی زندگی واقعی بگشاید.

الگوهای صمد کودکان و نوجوانانی هستند که به قول قدیمی‌ها آرزو بر جوانان را عیب نمی‌شمردند و ذهن و افکار آن‌ها مملو از آرزوهایی است که حتی خودشان هم باورشان شده که دست نیافتنی هستند.

حتی عنوان‌هایی که صمد بر قصه هایش می‌گذارد انگیزشی است و قصه ماهی سیاه کوچولو، قصه کچل کفتر باز و قصه ۲۴ ساعت خواب و بیداری، در هر یک از این عناوین رنگی از فولکلور نمایی وجود دارد، او بر پایه اعتماد و اعتقاد مردم روستا که تعجیل در انجام کارها دارند عنوان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری را برمی‌گزیند که این همه اتفاق در آن رخ داده که در نگاه اول بسیار سخت و غیر قابل قبول می‌نماید. ولی با ظرافت تمام ساختار قصه خویش را چنان تعیین می‌کند که استفاده از لحظه لحظه جریان ۲۴ ساعت را به خوبی تمام نشان می‌دهد که هر ساعت و هر ثانیه اش ارزشمند می‌شود حادثه و اتفاقی جدید ثبت می‌شود.

این جمله حقایق داستانی است که در عین حالی که مختصر است مفید و سودمند هم می‌باشد و با ساختار اندیشه و رزان رومی مطابقت دارد و از تداعی داستان‌های صمد می‌توان شکل و قالب‌های جدید را در آن گنجاند و قصه و داستان را عمومیت بخشد. قصه ۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد طبق نظریه فولکلور ریخت شناسی پراپ رسم شده است به این صورت که در ساختار ریخت شناسی پراپ سازمان صوری یک متن فولکلوریک به دنبال نظم زمانی متوالی خطی عناصر موجود در متن به صورتی که از یک گوینده گزارش شده است، توصیف می‌شود که به این تجزیه و تحلیل ساختاری متوالی خطی اصطلاحاً تجزیه و تحلیل ساختاری زنجیری می‌گویند (3). صمد هم زنجیروار گرفتاری‌ها، سختی‌ها و دردهای مردم را در همه جای جامعه توصیف می‌کند، همه اقشار را در توصیف وضعیت جامعه مورد توجه خود قرار می‌دهد. خط

و سیر داستان هایش به قول پراپ از الف تا است، کودکان، نوجوانان، مردان و زنان را به روشنگری می‌پردازد به همه توجه دارد. قهرمان اصلی در داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری پیرمردی است که فشار زندگی کمرش را شکسته با پسرش راهی شهر شده اند تا اندوخته‌ای و چیزی کنند که بعد از مدتی ناموفق به روستای خویش باز می‌گردند و هیچ تحولی که در زندگی رخ نمی‌دهد بماند. دنیایی نامطابقت‌های اخلاقی در ذهن پسر بچه نیازمند ساده لوح در برابر پسرهای مرفه و بی‌احساس و درد در سراسر داستان خودنمایی می‌کند. انگیزه بیدار باشی عمومی در وجود خواننده داستان چنان رونق می‌گیرد که داستانش همیشه با نام و آوازه او زنده و واقعی می‌نماید. هرچند فولکلورهای داستان هایش را به ظاهر منحصر به منطقه آذربایجان می‌دانند ولی این جریان با نوع قلم عمومی نگار صمد هم خوانی ندارد و داستان هایش و محتوای قصه‌ها محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد که او هدفی بالاتر از محدودیت در نگاهش دارد. او می‌داند که تنها سرمایه استعمارگران و ظالمان حکومتی همین کودکان هستند برای کودکان می‌نویسد که هرگز نمی‌توان فولکلور قصه هایش را محدود به منطقه و گروهی خاص دانست، بلکه هدف او تمام کسانی هستند که به نوعی اسیر دام حاکمان شده و این تسلیم را پذیرفته اند از زبان نوجوانی می‌نویسد که از کودکی اسیر استعمار بوده اند و به این باور غلط عادت کرده اند و هرگز به فراتر از آن نمی‌اندیشند. گروهی جوانانی از روستا را برای ترقی به شهر می‌آورند تا ببیند عمق این ایمان و باور آن‌ها به این همه ظلم و عادت به آن چه قدر است. او دریافته است باید با دنیای زیبای کودکانه آن‌ها حقیقت را بنویسد. او معتقد است سرمایه‌های ثروتمندان همه از به سخره گرفتن کودکان که نوجوانان آینده هستند فراهم شده زیرا "انباشت ثروت‌های بادآورده جز با استثمار کودکانی نظیر آنچه در داستان‌های صمد بهرنگی تصویر شده، کودکانی که در قالبی‌های، کوره پزخانه‌ها، برج سازی‌ها و

کارخانه‌های ریز و درشت خداوندان سرمایه به کار مشغولند امکان پذیر نیست و این تنها نویسندگان و هنرمندان دلسوز مردم هستند که می‌توانند روابط وحشیانه و غیر انسانی محیط‌های کار و کارگری را در آثار خود به جامعه ارایه دهند و در بیداری و آگاهی آنان نسبت به آنچه در پیرامونشان کی گذرد بکوشند. "(۲). بیدار شوند و خودشان در امور زندگی تصمیم گیرنده اصلی باشند. مطالب صمد بهرنگی مثل "محتوای افکار فرمالیست‌های روسی که به لحاظ تاریخی فلسفی چیزی جز ایستایی یا توقف در گذشته نیست و حتی ضد تحولی است فرم جدید شان هم به لحاظ محتوا متوقف در گذشته است. "(شامکویی، ۱۳۹۸: ۶۴) نمی‌باشد صمد بهرنگی افکار و اندیشه و محتوای پویا ارایه می‌دهد با شکردهای مختلف سعی دارد مفاهیم تازه‌ای را که انگیزش در مخاطبان ایجاد می‌نماید در ذهنش بسازد که سوزهای تازه داشته باشد. قصه را برای فرم خویش برمی‌گزیند که امکان مانور در الگو پذیرش بیشتر از دیگر قالب‌های هنری است. آثار صمد بهرنگی بهترین نمونه ادب غنایی است که تمام و کمال احساسات درونی خواننده و نویسنده را نمود بخشیده و این آثار چون درد و احساس واقعی مردم را بازگو می‌نماید کلامی می‌شود که از دل رنج کشیدگان جامعه بر خاسته و بر قلب خوانندگان آثارش نقش می‌بندد. و او به عنوان یک هنرمند فرم اندیش و محتوای مطالب او مطابق نظریه یاکوبسن با مفهوم مرگ مولف به خوبی در ادوار مختلف نمود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

پژوهش در آثار صمد بهرنگی که مطابق با مفاهیم ادب غنایی و بیان احساسات و عشق ورزیدن در عرصه زندگی است داستان ۲۴ ساعت خواب و بیداری مبنای کار و پژوهش حاضر است در این مقاله قصه ۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد از دیدگاه یاکوبسن روسی، همان مرگ مولف مورد بررسی قرار گرفت که با برداشت‌های متفاوت از دیدگاه‌های صمد در آثارش واقعیت مرگ

ساعت خواب و بیداری کاملاً متفاوت است و قصه‌ها همه در مسیر سیال زندگی رقم خورده و هرگز جدای از طبیعت اطاف او نبوده است. صمد در این قصه در فاصله زمانی ۲۴ ساعت و بهره‌وری از لحظه لحظه و ثانیه به ثانیه آن مطالبی را رقم زده که می‌تواند زمینه‌ساز یک کتاب تاریخی بزرگی شود. خود عنوان قصه همه بر دقت و ظرافت فکری او دلالت دارد. مشارکت نویسندگان در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study explores the alignment between Sadegh Behrangi's short story *24 Hours in Sleep and Wakefulness* and Jakobson's Russian Formalist theory, specifically the concept of the "Death of the Author." Behrangi's literary contributions are deeply rooted in the socio-political realities of his time, portraying the struggles of marginalized and impoverished individuals. His works transcend mere storytelling; they serve as vehicles for ideological discourse, advocating for social justice and political awareness. Unlike the Russian Formalists, who emphasized the autonomy of literary texts and dismissed external influences such as historical and sociological contexts, Behrangi's narratives are deeply interwoven with his lived experiences and the broader socio-political landscape of Iran. His characters are not abstract archetypes but rather embodiments of real struggles faced by the oppressed classes. The study examines how Behrangi's

مؤلف رخ می‌دهد که هم به نظر فرمالیست‌های روسی که نمی‌توان خود را در زمان و مکان خالقان اثر قرار داد مطابقت دارد که هرچند داستان‌ها زنده و پویا و مقرون به حقیقت زندگی است، اما موقعیت‌های زمانی مختلف اندیشه‌های جدیدی را می‌طلبد که خواننده از زوایای آثار بدست می‌آورد که رمز ماندگاری آثار هنرمندان است که هرچه گسترده فکری آن‌ها وسیع‌تر باشد و خواننده بهتر بتواند برداشت‌های متفاوت داشته باشد پثباتر می‌ماند و در ادامه در برابر فرمالیست‌هایی که هنر را جدای از واقعیت زندگی می‌دانند مطالب متون و قصه‌های به خصوص قصه ۲۴

storytelling techniques challenge the Formalist insistence on artistic detachment and instead establish a direct connection between literature and societal transformation. This research employs a comparative analytical approach, contrasting Behrangi's narrative structure with the core tenets of Russian Formalism. While Formalists like Jakobson posited that the meaning of a text should be derived independently of the author's intentions or historical background, Behrangi's work demands an engagement with context. His *24 Hours in Sleep and Wakefulness* not only portrays individual suffering but also serves as a critique of systemic oppression, making it an ideal subject for interrogating the limitations of Formalist approaches. This investigation reveals that despite Formalist claims of textual autonomy, literature cannot be entirely divorced from the realities that shape its creation, a notion that finds particular resonance in Behrangi's works.

Behrangi's approach to storytelling aligns more closely with structuralist interpretations that emphasize the interrelations between text and cultural context rather than with Formalist notions of self-contained literary works. His narratives, while deeply personal, are also collective, reflecting the struggles of an entire generation disenfranchised by political repression and economic disparity. In *24 Hours in Sleep and Wakefulness*, Behrangi employs a blend of realism and allegory to highlight the stark divide between the privileged and the underprivileged. The protagonist's journey, marked by suffering and existential despair, mirrors the lived experiences of countless individuals subjected to social and economic hardships. This narrative strategy directly counters the Formalist notion that literary works should be evaluated solely on the basis of their intrinsic linguistic and structural qualities (3). Behrangi's insistence on embedding real-life concerns within his fiction underscores a broader theoretical debate regarding the role of literature in society. Should literary texts function as self-referential aesthetic artifacts, as the Formalists contended, or should they serve as instruments of social critique and transformation? The study argues that Behrangi's work exemplifies the latter, positioning literature as a medium through which suppressed voices can be heard and systemic injustices can be exposed. This challenges the Formalist claim that meaning resides solely within the structure of the text

and instead affirms the notion that literature is fundamentally shaped by its social and political context.

A key aspect of Behrangi's narrative style that undermines Formalist doctrines is his use of folklore and oral storytelling traditions. *24 Hours in Sleep and Wakefulness* is deeply rooted in the storytelling traditions of Persian literature, drawing upon folkloric motifs and communal storytelling practices to craft a narrative that resonates with the lived experiences of his readers. This aligns with Propp's structuralist analysis of folklore, which suggests that narratives derive their meaning from recurring structural elements rather than from purely aesthetic considerations (3). Behrangi's deliberate engagement with folklore also serves to further detach his work from the Formalist preoccupation with literariness, as he prioritizes accessibility and reader engagement over experimental formalism. This technique not only makes his stories more relatable but also ensures their continued relevance across different social and historical contexts. Unlike the Formalists, who sought to isolate literature from external influences, Behrangi embraces intertextuality, allowing historical and cultural narratives to shape his fiction. By doing so, he effectively subverts the Formalist principle of textual autonomy, demonstrating that literary meaning is inextricably linked to the socio-political conditions in which a text is produced and consumed. His approach underscores the limitations of Formalist criticism, revealing that

the impact of a literary work extends beyond its linguistic features to encompass broader ideological and historical dimensions.

The study also considers the implications of Jakobson's "Death of the Author" theory in the context of Behrang's storytelling. While Jakobson and his contemporaries argued that the author's biography should not influence textual interpretation, Behrang's work resists such detachment. His narratives are deeply autobiographical, informed by his experiences as a teacher and social activist. The protagonist in *24 Hours in Sleep and Wakefulness* is not merely a fictional construct but a reflection of the author's own ideological struggles and personal encounters with injustice. This challenges the Formalist claim that literature should be analyzed in isolation from its creator's identity. Behrang's storytelling is an act of resistance, a means of documenting the struggles of the disenfranchised and calling attention to their plight. The notion that an author's presence should be erased from their work contradicts the very essence of Behrang's literary mission, which is to give voice to those who have been silenced. The study demonstrates that while Formalist theories have contributed to the evolution of literary criticism, their insistence on textual autonomy fails to account for the socio-political dimensions of literature. Behrang's narratives reaffirm the enduring relevance of authorial intent, illustrating that literature is not merely an aesthetic enterprise but a powerful tool for social change.

Furthermore, the research highlights the contrast between Behrang's moral engagement and the Formalist principle of aesthetic neutrality. Whereas the Formalists sought to divorce literature from ethical considerations, Behrang's fiction is inseparable from its moral imperatives. *24 Hours in Sleep and Wakefulness* is not simply a work of art; it is an ethical statement, a critique of social hierarchies and economic injustices. This aligns with more contemporary literary theories that advocate for an ethical approach to literature, recognizing the capacity of fiction to shape public consciousness and inspire collective action (5). Behrang's commitment to social realism further distances him from the Formalist tradition, reinforcing the argument that literature cannot be fully understood without considering its ethical and ideological dimensions. His work underscores the necessity of literature as a means of documenting historical struggles and envisioning alternative futures. In doing so, he aligns with a broader tradition of politically engaged literature that resists the notion of artistic detachment. The study asserts that by prioritizing ethical engagement over aesthetic formalism, Behrang challenges the very foundations of Formalist thought, demonstrating that literature's value cannot be confined to its structural elements alone.

In conclusion, this study provides a critical reassessment of Behrang's *24 Hours in Sleep and Wakefulness* through the lens of Russian

Formalism and Jakobson's "Death of the Author" theory. It argues that while Formalist approaches have contributed valuable insights into the mechanics of literary texts, they ultimately fall short in accounting for the socio-political and ethical dimensions of literature. Behrangi's work exemplifies the limitations of Formalist criticism, illustrating that literature is inherently shaped by historical realities and ideological commitments. His use of folklore, autobiographical elements, and moral engagement positions his narratives in direct opposition to the Formalist insistence on textual autonomy. The findings suggest that a more comprehensive approach to literary criticism must incorporate both structural analysis and contextual interpretation, recognizing that literature serves not only as an artistic endeavor but also as a means of social resistance and historical documentation. Through this comparative analysis, the study underscores the enduring significance of Behrangi's work, highlighting its continued relevance in contemporary literary and socio-political discourse.

References

1. Shahkoyi MH. Russian formalism and philosophical contradictions: Rasanesh Novin, Tehran; 2014.
2. Darvishian AA. In memory of Samad Baharangi: Moqham Publishing, Tabriz; 2016.
3. Propp V. Morphology of fairy tales Trans - F. Badraei: Toos Publishing, Tehran; 2019.
4. Enzabinejad R. The teacher who was full of honesty: Kavah Publishing, Tabriz; 1979.
5. Barahani R. The myth of Samad and the subject of time: Iranian Writers' Association; 1981.
6. Dowlatabadi M. Hello Uncle Bahar: Kavah Publishing, Tabriz; 1978.
7. Saadi G. Face to face or shoulder to shoulder. Jom'e Book. 1979;1(September):6.
8. Aram A. Exploration of the works of Samad Baharangi: Arman Press Institute Attayi; 1991.
9. Behrangi S. The stories of Samad Baharangi: Khalaq Publishing, Tehran; 2019.